

تاثیر تحریم‌ها
بر نظام بین الملل

حمید روشنائی

کارشناس روابط خارجی

این روزها بحث اسنپ یک و مکانیسم ماشه، گفت‌وگو در خصوص بازگشت تحریم‌ها و تاثیر آن بر کشورمان، بسیار داغ شده است. اما جالب است بدانیم تحریم‌ها بر روند تحولات «جهان در حال گذار» نیز تاثیرات خود را می‌گذارد و نظام بین الملل را متحول می‌کند؛ به نحوی که این اثرگذاری، از ایجاد چالش و فشار بر کشورها، کمتر نیست. تحریم‌ها می‌تواند بر ساختار بین الملل، روابط کشورها و نهادهای بین المللی موثر بوده و چهره روابط بین الملل جدیدی را به تصویر کشاند.

تحریم نمودن، ریشه تاریخی دارد و به دوران یونان و روم باستان و محاصره دولت‌شهرها بازمی‌گردد. در قرون وسطی پاپ‌ها و کلیساها، از تحریم مذهبی و اقتصادی علیه شاهان یا کشورها استفاده می‌کردند. ناپلئون در سال ۱۸۰۶ با بلوکه کردن تجارت بریتانیا، تحریم را به‌عنوان یک اهرم مدرن و ابزار جنگ اقتصادی به‌کار برد. اما نهادینه شدن این موضوع، به قرن بیستم و نهاد جامعه ملل بر می‌گردد و به‌عنوان امری برای جایگزین جنگ در اساسنامه این سازمان گنجانده شد. نظام دوقطبی و جنگ سرد بر کاربردی کردن تحریم‌ها افزود و آن را عاملی، در رقابت‌های دو بلوک شرق و غرب به کار گرفت. شورای امنیت سازمان ملل متحد تحت عنوان حفظ صلح و امنیت از تحریم‌ها ابزاری رسمی ساخت تا علیه کشوری همچون رودزیا (زیمبابوه امروزی) در سال ۱۹۶۶ استفاده نماید. در این قرن، کشورهایی همچون عراق و یوگسلاوی مورد تحریم‌های جامع سازمان ملل قرار گرفتند. اما قرن بیستم و یکم، قرن تحریم‌های هوشمند است که تاثیر آن به مراتب بالاتر از شکل سنتی آن بود. در این نوع تحریم، تلاش می‌شود تاثیرگذاری آن بر افراد و نهادها باشد مانند تحریم‌های بانکی، مالی، افراد و... امروزه تحریم هوشمند، ابزاری استراتژیک در سیاست خارجی قدرتهای بزرگ است که به‌وسیله آن سیستم ارتباطی مراکز اقتصادی را هدف قرار داده و هرگونه فعالیت مالی و تجاری را فلج می‌کند.

در کنار این تحولات، تحریم‌ها کارکرد دیگری نیز یافت و آن، سرعت بخشیدن به تغییر نظام بین الملل از دوقطبی به چندقطبی بود و در همین راستا، نهادهایی همچون «بریکس و شانگهای» شکل گرفت که تفاوت اساسی با سازمان‌های منطقه‌ای و بین المللی گذشته داشت و به نوعی نهادهای در حال گذار نظام بین الملل گشتند. با اینکه تحریم‌ها در گذشته جهت تقویت هژمونی قدرت‌های بزرگ عمل می‌کردند و بعضاً موجب ترس دولت‌ها برای مقابله با هژمونی موجود بودند، اما در زمان تغییرات سیستم جهانی که پدیده‌های جدیدی شکل می‌گیرد، تحریم‌ها توانست جبهه‌های جدیدی را در مقابل قدرت‌های بزرگ شکل دهد و موجب فاصله گرفتن بسیاری از کشورها از سیستم گذشته گردد؛ اتفاقی که برای ایتالیا سال ۱۹۳۵ با تحریم جامعه ملل رخ داد. این کشور که به دلیل حمله به اتیوپی مورد تحریم قرار گرفت، با خروج از آن، به ظهور فاشیسم و جنگ جهانی دوم کمک کرد.

اگر چه گفته می‌شود کارکرد تحریم‌ها، سرنگونی دولت‌ها نیست (و فقط به ملت‌ها فشار می‌آورد) اما باید اضافه کرد که تحریم‌ها، نظام بین الملل را دچار چالش‌های جدی می‌کند و موجب شکل گرفتن ائتلاف‌ها و اتحادهای جدید می‌شود. کشورهایی که نسبت به این بی‌عدالتی معترض هستند و خود را در تنگنای تحریم‌ها می‌بینند، گردهم می‌آیند و سازمان‌های بین المللی (ساخته شده در نظام دوقطبی) که وظیفه‌شان حل و فصل اختلافات بین کشورهاست، نمی‌توانند پاسخگوی آنها باشند و در نتیجه این سازمان‌ها تضعیف شده و جایگاه‌شان را از دست می‌دهند. برای مثال بازگشت تحریم‌های شورای امنیت با مکانیسم ماشه، اگر چه نشانه ناتوانی یک توافق جهانی و ضعف ما در نگهداری بر جام بوده به همان میزان هم گویای بازپه‌یون یک نهاد بین المللی توسط قدرت‌های جهانی می‌باشد که هر زمان بخواهند از آن علیه کشورهای ضعیف استفاده می‌کنند و سرانجام آن ناامیدی از این سازمان بین المللی و نظام حقوقی حاکم بر جهان است که نفتن‌ها امکان حل مشکلات را ندارد بلکه می‌توان از آن به‌عنوان یک ابزار در مقاطع مختلف استفاده نمود. قطعنامه‌هایی که زمان آن به پایان رسیده و توافقی که جایگزین آن شده است تاصالح و مدارا حاکم گردد می‌تواند دیگر به‌وسیله‌ای برای فشار به کشورها جهت قطع ارتباط اقتصادی و تجاری گردد. همانگونه که در گذشته جامعه ملل به دلیل عدم توانایی اش در حل مشکلات و ایجاد تعادل بین کشورها، نتوانست ادامه یابد، سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی که ناتوان از حل مسائل کشورها باشند نیز به همین گونه می‌توانند به پایان راه برسند.

دیپلماسی

DIPLOMACY



روح اله نخعی

خبرنگار گروه دیپلماسی

شعاری که مدت‌ها در جدل‌های سیاسی در ایران مطرح می‌شد، حالا به‌صحن مجلس می‌رود. حسینعلی حاجی‌دلیگانی، نایب‌رئیس اول کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی اعلام کرد طرحی سه‌فوریتی برای خروج از ان‌پی‌تی تنظیم شده و در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت. طبق صحبت‌های حاجی‌دلیگانی، این طرح سه‌فوریتی به گونه‌ای طراحی شده که به سرعت قابلیت اجرایی شدن داشته باشد. ابراهیم عزیزی، نماینده شیراز و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس البته خبر داده که حرارت در مجلس از این هم بالاتر است و سه طرح برای خروج از ان‌پی‌تی در این کمیسیون مطرح است. نکته البته این است که فعلاً در وزارت خارجه مخالفتی تلویحی با این ایده مطرح شده است. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، اخیراً در مصاحبه‌ای با رسانه چینی شین‌هوا گفته: «اما عضو معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) هستیم و تا زمانی که عضو این معاهده باشیم، باید بتوانیم از حقوق خود، از جمله حقوق مندرج در ماده ۴ معاهده، بهره‌مند شویم.» می‌توان از این تعبیر برداشت کرد که فعلاً دستگاه دیپلماسی قصد دارد بر اساس ان‌پی‌تی حرکت کند و نه به سمت خروج از آن. شورای امنیت ملی نیز که در طرح پیشین مجلس، تصمیم‌گیر اقدامات در قبال آژانس هم بود، فعلاً اقدامی در این باره نکرده و علی لاریجانی، دبیر جدید این شورا هم موضعی درباره خروج از ان‌پی‌تی نگرفته است. سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه نیز می‌گوید اما بحث هنوز لااقل در مجلس مطرح است.

البته صحبت‌ها در باره چنین اقدامی از سوی ایران مدت‌هاست از سوی برخی جریان‌های تندرو مطرح می‌شود. ادعا این است که ایران در واکنش به اقدامات طرف‌های مقابل، باید از ان‌پی‌تی خارج شود؛ خروج از ان‌پی‌تی در این نگاه به عنوان تلافی، تنبیه، تهدید یا هشدار مطرح می‌شود. به نظر برخی حامیان این طرح، بناست اعلام خروج ایران از ان‌پی‌تی، باعث شود طرف‌های اروپایی، آمریکایی یا حتی شاید اسرائیلی، به هودشان بیایند و متوجه شوند نباید با ایران بیش از این تقابل کنند، بلکه باید دست از اقدامات ناشایست خود بردارند، برنامه هسته‌ای ایران را به شکل فعلی بپذیرند، تحریم‌ها را بردارند، پرونده را ببندند و به وضعیت اوکراین و جاهای دیگر رسیدگی کنند.

بناست اعلام خروج ایران از ان‌پی‌تی، باعث شود طرف‌های اروپایی، آمریکایی یا حتی شاید اسرائیلی، به خودشان بیایند و متوجه شوند نباید با ایران بیش از این تقابل کنند، بلکه باید دست از اقدامات ناشایست خود بردارند، خود بردارند، برنامه هسته‌ای ایران را به شکل فعلی بپذیرند، تحریم‌ها را بردارند، وضعیت اوکراین و جاهای دیگر رسیدگی کنند. در واقع انتظار مدافعان خروج از ان‌پی‌تی این است که این اقدام ایران طرف مقابل را مجبور خواهد کرد که بچه خوبی باشد!

هیچ‌کس البته توضیح نمی‌دهد که این اقدام با چه سناریویی بناست رخ دهد. اقدامات پیشین ایران با الگوها و انگیزه‌های مشابه که لااقل به ظاهر تا حدی فکرشده‌تر هم بوده‌اند، کار کشور را به این نقطه رسانده‌اند اما با منطق حامیان این پیشنهاد، بناست

رحمن قهرمانپور کارشناس مسائل بین الملل

در عرف بین الملل خروج از ان‌پی‌تی یعنی قصد ساخت بمب

برای ایران چیست؟

در عرف بین المللی، خروج از ان‌پی‌تی یعنی کشوری که خارج می‌شود، قصد ساخت بمب را دارد. در غیر این صورت، هزینه‌های خروج از ان‌پی‌تی چنان زیاد است که معمولاً هیچ کشوری دست به چنین کاری نمی‌زند. به عنوان مثال، کوبا که سال‌ها وارد ان‌پی‌تی نمی‌شد و می‌گفت این معاهده امپریالیستی است، نهایتاً به این پیمان پیوست. کشورهایی مثل هند و پاکستان که از ابتدا به این پیمان نپیوستند، هسته‌ای شده‌اند و امروز هم قصد پیوستن ندارند. بنابراین، معنای رایج و عرفی خروج از پیمان ان‌پی‌تی، این است که آن کشور می‌خواهد بمب بسازد. اگر آن کشور قصد ساخت بمب را نداشته باشد، هزینه‌های خروج به قدری زیاد است که بر آن فواید احتمالی اش می‌چربد؛ اما اگر کشوری قصد ساخت بمب را داشته باشد، مثل کره شمالی و از ان‌پی‌تی خارج شود، طبیعتاً هزینه‌های این کار را می‌پردازد، ولی ممکن است مثل کره شمالی به مدار بقا برود و ارتباطش با دنیا قطع نشود. این سناریو برای کشورهای پر جمعیت، بزرگ و واقع در موقعیت‌های ژئوپلیتیکی حساس، کار بسیار سخت و دشواری است.

گزینه‌ای که برخی مطرح می‌کنند، خروج از ان‌پی‌تی بدون حرکت به سمت مراحل بعدی است. یعنی صرفاً اینکه خروج را به عنوان اهرم فشار اعلام کنند...

ببینید چنین چیزی در دنیا سابقه ندارد و جانداختن و قبولاندن آن در مجامع بین المللی کار بسیار دشواری است. کشورها صرفاً در اعتراض به عملکرد غربی‌ها از ان‌پی‌تی خارج نمی‌شوند. اقدامات دیگری می‌توانند انجام دهند. خروج از ان‌پی‌تی، آخرین و حساس‌ترین مرحله تنش میان یک کشور و به یک جامعه بین المللی است. فراموش نکنیم که مسئله سلاح هسته‌ای و امنیت هسته‌ای، فعلاً حساس‌ترین مسئله در امنیت بین الملل است. حساسیتی که قدرت‌های بزرگ نسبت به این موضوع دارند، نسبت به موضوعات دیگر ندارند؛ به عنوان مثال می‌توانید مسئله هسته‌ای را با ترور یسم مقایسه کنید. آمریکا بعد از حمله یازده سپتامبر، «جنگ جهانی با ترور یسم» را در اولویت خودش قرار داد اما شاهد بودیم که در سال ۲۰۱۹ خود از افغانستان خارج شد و عملاً این سیاست را کنار گذاشت؛ اما هیچ‌یک از قدرت‌های بزرگ، حتی چین و روسیه، در ۷۰ سال گذشته هیچ‌گاه مسئله هسته‌ای را از اولویت خودشان خارج نکرده‌اند.

از طرف دیگر، توافق نانوشته‌ای بین پنج قدرت هسته‌ای عضو ان‌پی‌تی با همدان پنج عضو دائمی شورای امنیت وجود دارد، مبنی بر اینکه تا جایی که امکان دارد، هیچ دولت دیگری به جز این‌ها هسته‌ای نشوند. به همین



AFP/کنس

این بار دیگر ماجرا فرق کند. خروج از یک معاهده طبق عقل منطق باید به معنای تصمیم به اجرای اقداماتی بر خلاف تعهدات پذیرفته در معاهده باشد اما بسیاری از حامیان ایده خروج از ان‌پی‌تی نمی‌گویند ایران دقیقاً بناست بعد از خروج از ان‌پی‌تی چه کند؟ آیا قرار است به سمت ساخت بمب برود؟ ایده برخی دیگر اقدام به غنی‌سازی نود درصدی است. مشخص نیست اگر تصمیم نظام،

بحث خروج ایران از معاهده منع گسترش تسلیحات یا همان ان درباره آن ادامه دارد. در میانه این بحث‌ها، قاعدتاً باید نظرات کوتاه مدت و بلندمدت پس از آن اهمیت داشته باشد. برای بررسی بین الملل رفته ایم و ارزیابی‌شان را از این بحث پرسیده ایم. کوروش و رحمن قهرمان پور، کارشناس مسائل بین الملل، هر کدام از نظر سمت ارزیابی منفی از ایده خروج از ان‌پی‌تی، همگراست. گفت‌وگو

خاطر از حدود ۴۰ کشوری که از دهه ۱۹۶۰ دنبال دسترسی به بمب اتم بوده‌اند، تقریباً ۹۶ درصد موفق نشده‌اند و صرفاً خارج از ان‌پی‌تی، سه نمونه هسته‌ای شده‌اند: هند، پاکستان و اسرائیل. کره شمالی هم با خروج از ان‌پی‌تی و تحمل هزینه‌های این کار نهایتاً توانست بمب بسازد؛ بنابراین می‌خواهم بگویم شاید چین و روسیه در برخی موارد مثل اعمال تحریم‌ها با غرب مخالف باشند، ولی درباره هسته‌ای نشدن کشورها، منافع مشترکی با غرب دارند.

ایده این به عنوان یک واکنش مطرح شده است. به عنوان اقدامی در شرایطی که ایران در آن قرار دارد. با توجه به اینکه شما هم این ایده را تأیید نمی‌کنید، به نظراتان الان ایران باید چه کند؟

قبل از اینکه بگوییم چه کار کند، باید بگوییم چه کار می‌تواند بکند؟ یعنی اینجا مسئله چه کار باید کرد اگر بدون توجه به توانایی‌های واقعی ما باشد، آرامی بیش نیست. واقعیت هم این است که ما قدرت منطقه‌ای هستیم، قدرت جهانی نیستیم که توانایی ایستادگی در برابر فشار قدرت‌های بزرگ را داشته باشیم. از طرف دیگر سیاست ما هم در چهار دهه گذشته نظامی‌گری در سیاست بین الملل نبوده است. تجهیزاتی هم که خریده ایم، ساخته‌ایم و با هزار زحمت به دست آورده ایم، برای دفاع بوده، برای تهاجم نبوده؛ کما اینکه در جنگ ۱۲ روزه اخیر هم معلوم شد ما توان تهاجمی آن چنان زیادی نداریم؛ بنابراین هر راهکاری باید با توجه به این توانایی باشد. امروز در کشور کسان زیادی هستند که در بیان آرزوها با هم مسابقه می‌دهند و مدام می‌گویند چنین کنیم و چنان کنیم؛ ولی طبیعتاً سؤالی که سیاستگذار می‌پرسد این است که با کدام توان؟ با کدام قدرت؟ با کدام پول می‌شود این کار را کرد. لذا درباره اینکه چه کار باید بکند، به‌نظم طبیعتاً اولین مسئله این است که سیاستگذار بپذیرد که توانایی اش محدود است و توانایی مدیریت پهنه شرایط موجود را ندارد. شاید پذیرش این واقعیت، در میان تصمیم‌گیران اصلی‌ترین قدم باشد برای اینکه تصمیمات را بگیرند. طبیعتاً شرایط سیاستگذار سخت است. سیاستگذار در مقابل مردم قرار گرفته است و وعده‌هایی داده که امروز نمی‌تواند از آن‌ها عدول کند و برایش سخت است؛ در عین حال ما با تصمیم‌های سخت مواجهیم. همه این را می‌دانند. نیازی هم به استدلال نیست. همه دیگر امروز در جناح‌های مختلف اجماع نظر دارند که شرایط کشور شرایط سخت و پیچیده‌ای است و نیاز به تصمیم‌های حساس و بزرگ است. مسئله این است که باید فکر کنیم و بحث کنیم که این تصمیم بزرگ را چطور بگیریم که هزینه‌اش برای حاکمیت کم باشد، برای جامعه کم باشد و در واقع طوری باشد که نه سیاستگذار بازنده باشد و نه جامعه.